

متن پرسش

بسمه تعالی با عرض سلام و خدا قوت خدمت جنابعالی در جلسه تفسیر فرمودید سیر افرادی مانند مولوی و محی الدین علیهم رحمه بر اساس توحید ابراهیمی نیست چون از (حجاب ظلمانی) خلفا عبور نکرده اند . با عنایت به اینکه ظاهراً مولوی و محی الدین وارد در عالم توحید الهی بوده اند و خداوند سیر در اسماء خود را نصیب آنها فرموده است و از جمله افرادی بوده اند که عالم را به شواهد مطالبی که بیان کرده اند در قبضه حق می دیده اند و برای غیر خدا اثری استقلالی قائل نبوده اند و از دریچه حضرت حق به عالم نگاه می کرده اند چطور می توان انگونه بیان نمود؟ اگر چنین است پس سیر خیلی از عرفای شیعه هم مانند مرحوم میرزا جواد اقا و علامه طباطبایی و آقای قاضی می تواند توحیدی نباشد چون آنها هم بر علیه کفر زمان خود اقدام عملی انجام نداده اند.؟ از طرفی می بینیم مرحوم قاضی علیه رحمه به فرزند خود می گوید به مصر نرو چون ولایت دارند و لی تبری ندارند و لی ایشان به بعضی از شاگردان خود می گوید مثنوی بخوانید اگر واقعا بویی از محبت به خلفا در ان استشمام می کرد چگونه امر می فرمود.؟ وقتی ما مثنوی می خوانیم حقیقتاً روحیه حماسی را در ان بالا می بینیم فردی مانند اقبال لاهوری که یک مصلح اجتماعی است و گرایش عرفانی دارد به افرادی مانند حافظ خرده ها می گیرد و انها را دور از مسائل اجتماعی می پندارد و لی با مثنوی مانوس است و امام علیه رحمه در یکی از سخنرانیهای خود اول انقلاب این بیت مولوی را با حالات حماسی بیان نمود انکه مرگ پیش چشمش تهلکه است نهی لاتلقوا بگيرد او بدست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی، سلام علیکم: حتماً مستحضر هستید که بنده عرض کردم جناب مولوی و محی الدین حاکمیت غیر معصوم را پذیرفته اند و گله ای در این مورد از آن نوع حاکمیت ندارند. در حالی که توحید ابراهیمی هیچ گونه استقلالی را در هیچ مرتبه ای، اعم از عالم تشریح و تکوین نمی پذیرد و بر اساس آن نگاه نمی توان پذیرفت غیر از معصوم حاکمیت تشریحی جامعه را به عهده بگیرد وگرنه نه تنها منکر مقامات توحیدی آن بزرگان نیستم، احیاء فرهنگ عرفانی آن ها را جهت تحقق تمدن اسلامی و برگشت به عهد قلبی با خدا لازم می دانم. موفق باشید